

پطرس بزرگترین شاگرد مسیح ^ع

چگونه اناجیل موجود چهره زیبای شاگردان مسیح را پشت وناپسند
و نفرت انگیز نشان می دهد؟!!

ترجمه کتابهای بااصطلاح اساسی او
 مذهبی مسیحیت، حواریان و شاگردان مسیح و ا
 استعاضا ماسد و منحرف معرفی می کند. و از این
 رفتار هرگونه اعتبار و اعتماد را نسبت به کتبهها
 و نوشته هایشان سلب می نماید. ولی مطالب این
 کتابها در مورد پطرس کاتب (رئیس الحواریین) (پطرس)
 بزرگترین شاگردان مسیح را دارا می باشد به
 راستی شگفت آور و منافق است. *پژوهشگاه علوم*
 پطرس - بزرگترین شاگرد مسیح

بر حسب آنچه که در منابع مذهبی
 مسیحیت آمده است، پطرس بزرگترین شاگرد
 و رئیس حواریان مسیح بوده است.

- (۱) حتی باب ۱۶ جمله های ۱۸ تا ۲۰
 (۲) تاریخ اصلاحات کلیسا ص ۵۲

اکنون سیستم بطرس با آن همه نظام و موهبت و بزمی خود با آنجا که مسیح گنبد آسناپا را بدست وی می‌سپارد و چنانچه بر روی زمین چیزی بنهد یا بگناید در آسناپا سرست و گنوده خواهد شد. چگونه آسانی است؟ آیا او جدا همانگونه است که دریم یا چه می‌دگری هم ندارد؟

با کمال عجب باید گفت بطرس نیز از آن حواریان و شاگردانی است که همین اناجیل دامن او را هم به لوت گناه و نافرمانی آلوده می‌داند و از او جیره‌ای باقی‌مانده نشان می‌دهد ... مثلاً در انجیل متی بعضی در همان کتاب و همان بابی که نظام روحانی بطرس بیان شده بعد از چند خط ... نه بدو به سخن و توهمین همین حواری می‌پردازد. هنگامی که مسیح در باره روح درحقی که درآینده از روای کینه خواهد دید. با شاگردان خود سخن آغاز کرد و می‌فرمود:

بطرس را او مسوره ملات و توبیح قرار داد و گفتارش را در این رسم باندی انگار آسیر نگرست ((اما او | مسیح | برگشته بطرس را گفت در روزی از من ای سلطان آزیز که با منت اعزش من می‌مانی زیرا نه امور انبی را بلکه امور انسانی را انگار می‌کنی)) (۳)

- (۳) انجیل متی باب ۱۶ جمله‌های ۳۳-۳۴
- (۴) انجیل متی باب ۱۵ جمله ۴۴

ترا انجیل متی داستان انگار پیشتر مثال جامع علوم انسانی بدینگونه توضیح داده شده که ... وی سرور انبیا نشسته بود بلکه کمزری نزد وی آمد گفت بوم باعبای جلیلی بودی. او روبروی عصب انگار نموده گفت نمی‌دانم چه می‌گویی؟ چون بدینهم می‌روم و من کمزری دیگر او را ندیده‌ام حاضران گفت این سخن نیز از رطای عیسی

تاییدی است. باز هم جویده انگار نبود که این مرد رابنی ششم بعد از چندی آنان که استاده بودند پیش آمده بطرس را گفت ایست بومهار این هاستی زیرا که طبقه تو بر تودالالت می‌خاید پس آمار "لحن گوئی" و رسم خویش خود که این سخن رابنی ششم و نرسانند خروس با یک زد آنگاه بطرس سخن عیسی را به یاد آورد که گفت بود قبل از آنکه زمین خروس ساموئله مرا انگار هوا می‌کرد ... (۵)

بدخباته شما بطرس نیست که در انجیل موجود. جیره‌ای باقی‌مانده دارد. بلکه (از پولس) | سر در نزاع خود با بطرس (۶) خود خواهی و تقوی ظلمی خویش را به خویش نشان می‌دهد. و طبق آنچه که در انجیل آمده ظلمی شاگردان و حواریان مسیح. حواریانستند و درجات وی همواره این گنجی باید مقام نهتری و ریاست را داشته باشد به نزاع و اختلاف برخاسته، که آن حضرت استانی را از این روئین حطرتا کبر حذر داشتند چنان که در لوقا آمده: پدر میان ایشان مسراج نهاد که کدام یک از ایشان بزرگتر می‌باشد (((۷)

- (۵) انجیل متی باب ۲۶ جمله‌های ۲۵ تا ۲۶
- (۶) تلموین کتاب مقدس ص ۲۲۱
- (۷) انجیل لوقا باب ۲۲ جمله ۲۲
- (۸) امین الامام طبع جدید ص ۲۲۱
- (۹) انجیل متی باب ۱۵ جمله ۲۵
- (۱۰) متی باب ۱۲ جمله ۳۱

حواریان مسیح دچار اصراف و گمراهی گشت و حاکمی او را انگار گردانده پس بر میان آنان کسی بدانی کسی که مدار از شخصیت سوزنا غصه و ناپنی باشد ثابتان گنهما و نوشته‌های وی را به عنوان یک سند قطعی به عالم آسانی مسیح نسبت داد.

گرچه می‌توانید بگویید: این سخن و ملائمتها مربوطه حواریان و شاگردان مسیح است پس لاف "برفس" و "لوقا" که جزء شاگردان او بودند از این گونه سخنها دور خواهند بود. لیکن این دو نیز از انجیلیهای خود را بر سرخی شاگردان مسیح نگاشته و خود مدعی از شاگردان حواریان این حضرت بودند. وقتی که استادان ایشان باشند که دریم خود مرفس و لوقا بر سر و بنا لاتوار استاد نخواهند بود چنانکه در انجیل متی از قول مسیح نقل شده که شاگرد از عیسی افضل است (۹)

(جهیزهاگس) | در قاموس کتاب مقدس دلیل گفته ((بطرس | و برخی از مسیحیان دیگر می‌گویند نسبت است که شاگردان مسیح گاهی گردنار گمراهی می‌کنند. ولی نورا توجه می‌کردند و بورد صفت مسیح واقع می‌شدند. اما باسح این است که طبق عالیه انجیلی هر کاشی قابل بحث است جز شاه کفر و انگار مسیح. چنانکه انجیل متی می‌گوید: از این برودت را می‌گویم که هر نوع گناه و کفر از انسان آزرده خود لیکن کفر به (روح القدس) | از انسان دور نخواهد شد (۱۰) بقیه در صفحه ۳۰

بوی حوران بهشت جاوید ما نمی آرد .

"... تن بزدگردد" و جهان فراخ

چسب باغ و ایوان و میدان و کاخ

همه تخت و تاج و همه حشر و جور ،

سوزد به دینار یک بوی حورا

"محدوقامی" پاسخ نامه را بوسیله "خبره بن -

نعمه" برای رسم ارسال میدارد فرزند نعمه

یک مرتبه نامه به سوی اردوگاه بر مطراق و بر

تقریبات فرماده سانس . رهساری می گردد در رسم

برای اینکه فرزند نعمه بیشتر رغبت داشته باشد ،

دستور میدهد از تقریبات و زرق و برق هیچگونه

شوکارانی نکند (۸) بقیه دارد

بالاخره "سرور" نامه را به دست میرساند . بعد از مضمون نامه پاسخ می شود و از نگرو جهان بینی یک فرماده پاسایی بزرگ نامه رسمی بسیار سنگینی می شود در پاسخ نامه او می نگارد . ما برای تازاج تحسین و تاج و مال شما نموده ایم ، ما برای شلیخ آتش غاره ای آمده ایم که عاهد شوخوت شستی بیروان خود را در دو جهان تضمین می کند هرگاه خسرو این آتش خدیده را به بد مقام او بر عالم دیگر برود داده خواهد داشت :

"... که گزناه ، بدیدر نامی "دین راست"

دو عالم به نامی و شاهی ، و راست ...

شلیخ از گناهش "محمد" بود

تس چون گلاب نعمت بود .

بعد از ناپایداری محنتهای دنیا سخن به میان

می آورد و می گوید که این جهان حال انگیز و

تروت افشانه آسیر شما ، همه حتی سپاه مکتل

کتابهای مذهبی آن بود و گزیده مسلمانان طبق

تعلیم قرآن و اسلام ، حواریان مسیح را اوصیا و

مراجهت ایشان ثابت است او می دانند و از این گزیده

الودکیها و کرامتها بدور می دارند .



بقیه بطرس بزرگترین شاگرد شلیخ گاه علوم را از آن

گرچه در این جمله کفر و انکار به روح

القدس را قابل بخشش نمی داند . ولی برای شلیخ

به این که مسلمان ، خدا و روح القدس و مسیحا

یک حقیقت واحد می دانند پس انکار روح القدس

واقعا همان انکار مسیح خواهد بود .

چنانکه در گذشته گفتیم بار هم با داور

می تویم آنچه بر امون حواریان حضرت عیسی

بوشتم بر حسب عقاید مسیحیان و محتویات